

حکمتیست ۲۸۳

۲۱ نوامبر ۲۰۱۹ - ۳۰ آبان ۱۳۹۸
پنجشنبه ها منتشر میشود

زنده باد خیزش توده ای زحمتکشان ایران

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری کردستان
صفحه ۳

دیوارهایی که فرو میریزند! راه هایی که باز میشوند! ثریا شهابی

خیزش عظیم و سراسری جاری در ایران، جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، هر روز و هر لحظه، تصویر امروز نسبت به دیروز، توازن قوا بین محکومین و حاکمیت و تصویر آینده، نه تنها ایران که منطقه و جهان، را تغییر میدهد. آخرین خبر ها حاکی از این است که: پنج روز پس از اینکه جمهوری اسلامی ارتباطات، با جهان خارج و در داخل، اینترنت راه قطع کرد! امروز در این دیوار، شکاف هایی باز شده است: به گزارش نتبلاکز، امروز سطح دسترسی از حدود پنج درصد در روزهای گذشته به ده درصد رسیده است. دشمن هم، اعلام کرده است که: "وزارت ارتباطات ایران وصل شدن تدریجی اینترنت را تایید کرد!" ارتباط از طریق شبکه اینترنت، در جهان امروز، چون ارتباط از طریق جاده و راه آهن و کشتیرانی، است. بدون دسترسی به آن، رجعت به غارنشینی است، و برای بقا جامعه امروزی، ممکن نیست.

باز شدن قطره چکانی و مشروط این شاهرگ حیات ارتباطی جامعه، و ... صفحه ۴

سرنگوتان میکنیم!

اراذل و اوباش شمايید!

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی

پنج روز است جدال همه جانبه مردم آزادیخواه، کارگران، محرومین، جوانان و زنان برابری طلب، علیه جمهوری اسلامی، علیه گرانی، فقر، استثمار و استبداد، برای آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی در جریان است. پنج روز است سراسر ایران شاهد اعتراض میلیونها انسان به چهل سال جنایت، به چهل سال استبداد و بی حقوقی، به چهل سال فقر و بیکاری و استثمار و به چهل سال زن ستیزی و

تحقیر و توهین به حرمت و کرامت انسانی است.

در این پنج روز حاکمین همه کارتهای بازی خود را علیه مردم آزادیخواه ایران بکار گرفتند. ... ص ۲

سرزمین نفرین دستمزدها!

مصطفی اسدپور

وطن ناظر بر یک سرزمین است. همه تقدس میهن در آن زمین سفتی نهفته است که روی آن میشود کارخانه ساخت، دهانه ای به سمت قعر زمین بر پا کرد، میتوان دور آن سیم خاردار کشید، کارگران متعلق به این وطن را کاملاً آزاد گذاشت که در داخل مرزهای مقدس تا جان در بدن دارند کاخ بسازند و رفاه و تجمل بیافرینند.

طور و هر قدر که دلشان میخواهد و آنقدر که عقلشان میرسد، یا آنقدر که جسم و جانشان اجازه میدهد، و یا دست کم تا جایکه پست فطرتی برای بکارگیری طفل معصوم و یا دندان برای همبستری با عزیزان وی تیز کرده باشد؛ جد و جهد بخرج دهند و بهره ببرند.

وطن در عین حال کوهها، رودخانه ها و جنگلها را در بر میگیرد. اگر کارگر در زندگی واقعی از اختیار و مالکیت هیچ و مطلقاً هیچ چیز برخوردار نیست، اگر افسار تمام وجوه زندگی از خانه، محل کار، ساعت کار، دستمزد و تا قبرش بتمامی و بدقت بر اساس متافع دیگران تنظیم شده است، اما او میتواند در "مالکیت" این کوهها به عالم و

سر نوشت بهم بافته مجمع عمومی و اعتراضات جاری کارگری بخش دوم ص ۵ مصطفی اسدپور

آدم فخر بفروشد، تا سر حد جنون عاشق صخره ها شود، با شعر و غزل سرمست شود، در جبران همه توسری ها و محرومیت ها، به یکباره عقاب و شیر و پلنگ شود و قله ها را به اعماق جنگلها بهم بدوزد...

و در ایران فصلی بنام فصل تعیین دستمزدها پیش بینی شده است تا این وطن لباس رقم و اعداد به تن کند و در آذین بندان مذاکرات کذایی نمایندگان دروغین آنچه جامعه کارگری خوانده میشود جلوه قانونی پیدا کند.

صفحه ۶

آزادی برابری حکومت کارگری

اطلاعیه حزب ...

همه مزدوران مسلح و غیر مسلح، لباس شخصی‌ها، جاسوسان و ماموران اطلاعاتی، واعظین و سخنگویان، مبلغین و حقوق بگیران خود را به میدان فرستادند. اما صدای حق طلبی مردم آزادیخواه ساکت نشد.

سران جمهوری اسلامی آگاهانه تلاش کردند، با اقدامات مسلحانه عوامل و مزدوران خود به نام مردم، اعتراضات مردم آزادیخواه را وارد فازی کنند که امکان سرکوب آنرا فراهم کنند. روسای جمهوری اسلامی از خامنه ای تا روحانی و... در کمال وقاحت و بیشرمی، ضمن صدور فرمان سرکوب و بعد از کشتار صدها نفر و دستگیری هزاران انسان معترض، ادعا میکنند این اعتراضات کار دولتهای خارجی است. ادعا میکنند اغتشاش شده است و به نیروهای انتظامی با اسلحه گرم حمله شده است. جمهوری اسلامی آخرین نفسهای خود را میکشد و سرکوب و توحش امروز فقط پرونده جنایاتشان را در دادگاه های مردمی در فردای سرنگونی، سنگین تر می کند.

اراذل اوباش، روسای جمهوری اسلامی و عوامل

و مزدبگیران آنها هستند. مردم آزادیخواه حق دارند در مقابل اشرار مسلح حاکم به هر شیوه ممکن از خود، از جان خود و از اعتراضات و تجمعات خود دفاع کنند. مردم حق دارند عوامل و اوباشان حاکم را از خیابانها جمع کنند، حق دارند محلات کار و زندگی خود را از مزدوران مسلح و غیر مسلح آنها پاک کنند و امنیت محیط کار و زندگی خود را تامین کنند.

مردم آزادیخواه ایران به میدان آمده اند که به حاکمیت چهل ساله اینها پایان دهند و جامعه ای انسانی و آزاد و مرفه را پایه گذاری کنند. اعتراضات وسیع این چند روز، اول کار ما و جرقه ای از نیروی لایزال طبقه کارگر ایران و مردم زحمتکش و آزادیخواه برای سرنگونی حاکمان از کانال یک قیام توده ای به رهبری طبقه کارگر است.

پیام مردم آزادیخواه ایران روشن است:

شما به دستگاه سرکوب و مشتی مزدور و جیره خوار دلخوش کرده اید، اما ما متکی به قدرت لایزال توده ای و آزادیخواهانه خود هستیم. ما برای پیروزی بر شما و همه سیستم و قوانین استثمار گرانه شما سرمایه دارن و شما استثمارگران، نیروی خود را

در همه مراکز کار و تولید، در همه شهرها، محلات، مدارس و دانشگاهها و... سازمان میدهم. ما خود را سازمان میدهم و دستگاه سرکوب و ماشین جنایت شما را از کار خواهیم انداخت. ما میرویم که نیروی دهها میلیونی طبقه خود، طبقه کارگر ایران را سازمان دهیم، متحد و متشکل کنیم و سراسر ایران از کارخانه تا محلات و خیابان را به میدان جدال خود برای به زیر کشیدن شما تبدیل کنیم.

ما با اتکا به تجارب چهل ساله جدال خود با جمهوری اسلامی با حاکمیت مشتی مولتی میلیاردر، با اتکا به تجربه هم طبقه ای های خود در سراسر جهان و با استفاده از تجارب همین دوره در شیلی، لبنان و عراق و...، جنگ خود را علیه شما سازمان میدهم. ما امکان دفاع از خود در اعتراضات خیابانی را فراهم میکنیم، ما امنیت خود در مقابل اوباشان و اراذل مسلح و غیر مسلح شما را تامین خواهیم کرد. ما دهها هزار پزشک و پرستار و انسان شریف را برای به راه انداختن بیمارستانها و کمک به زخمیها در همه جا سازمان خواهیم داد. ما عوامل و مزدوران شما را

شناسایی و از صفوف خود بیرون میکنیم. ما همه جا نیروی خود را از کارخانه و مراکز تولیدی و صنعتی، تا بیمارستانها و همه مراکز کاری، تا محلات و خیابان را سازمان و آماده میکنیم. ما از هر پیروزی خود برای بهبود موقعیت خود، جمع کردن نیروی خود و تامین امکانات جنگ نهایی خود با شما و به زیر کشیدن شما را آماده میکنیم.

ما با اتکا به قدرت و توان متحد و سازمانیافته خود شما را سرنگون میکنیم! ما با کارگران در منطقه و سراسر جهان، با همه مردم محروم و آزادیخواه، خود را هم منفعت و هم درد میدانیم. ما همه کارگران و مردم متمدن، همه زنان و مردان برابری طلب در جهان را به حمایت از خود دعوت میکنیم. نقطه قدرت و اتکا ما نه دولتهای مرتجع جهانی و منطقه ای از آمریکا تا اتحادیه اروپا و روسیه، از ترکیه، عربستان، تا اسرائیل و...، که همگی تاریخی از توحش و جنایت را علیه طبقه کارگر و مردم زحمتکش و متمدن در پرونده خود دارند، که هم طبقه ای های خود در سراسر جهان و مردم آزادیخواه است. ما هر نوع دخالت دول مرتجع در ایران را لگام خواهیم زد. ما

با اتکا به اتحاد و سازمانیافتگی خود کار شما را پایان خواهیم داد. ما به جهانیان نشان خواهیم داد که دنیایی آزاد و برابر، دنیایی بری از استثمار و بردگی ممکن است و این الگور را با سرنگونی انقلابی شما و بدست گرفتن سرنوشت خود و اعمال اراده خود، به جهانیان تقدیم میکنیم. نفسهای آخر را میکشید. ما شما را سرنگون میکنیم.

زنده باد آزادی و برابری
مرگ بر جمهوری اسلامی
حزب کمونیست کارگری-
حکمتیست (خط رسمی)
۲۰ نوامبر ۲۰۱۹

مبارزه ما برای برابری و
رفع تبعیض در متن
جوامع سرمایه داری
موجود جزء لاینفک
مبارزه وسیع تر و اساسی
ما برای شکل دادن به
انقلاب اجتماعی و
برقراری جامعه برابر و
آزاد کمونیستی است.

حزب کمونیست کارگری
- حکمتیست (خط
رسمی) به صف مقدم هر
مبارزه اجتماعی علیه
تبعیض و نابرابری در
جهان امروز تعلق دارد و
معتقد است که برابری
حقوقی همه و شمول
یکسان قوانین واحد بر
همه، مستقل از جنسیت،
ملیت، مذهب، نژاد،
عقیده، مرام، شغل، مقام
و تابعیت و غیره باید
بعنوان یک اصل تخطی
ناپذیر و محوری در صدر
قوانین جامعه اعلام شود.

مجمع عمومی تنها نماینده اراده مستقیم کارگران

زنده باد خیزش توده ای زحمتکشان ایران

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری کردستان

بیش از سه روز است که خیابانهای بیشتر شهرهای ایران، از جمله تهران و همچنین دهها شهر دیگر علیه افزایش نرخ بنزین تبدیل به میدان مقابله با جمهوری اسلامی گردیده است. گرچه علت خیزش اینبار مردم ستمدیده ایران، مربوط به افزایش نرخ بنزین میباشد، اما در درون خود نفرت و خشم از چهار دهه حکومت ضد بشری و ارتجاعی اسلامی ایران را با خود حمل میکند.

مردم کارگر و زحمتکش، آزادیخواهان، زنان و جوانان با دلی پر از امید، چندین بار و در چندین مصاف در مقابل این رژیم هار و درنده به میدان آمده اند و از هر فرصتی، برای به زمین کشیدن آن و پایان دادن به حاکمیت، به اسلام سیاسی و ولایت فقیه، بهره میبرند. نظامی که نه تنها منشاء تمام معضلات، فقر، سرکوب و قتل فعالین سیاسی و مردم آزادیخواه و فعالین کارگری و زنان برابری طلب ایران، بلکه سمبل ارتجاع اسلام سیاسی و ترور در منطقه از عراق تا لبنان را در پرونده خود دارد. هر ضربه ای از

طرف طبقه کارگر و مردم زحمتکش و جوانان و زنان ایران بر پیکر این رژیم، نور امیدی برای پیشروی جنبش کارگری و برابری طلبانه و مدنیت و آزادی را می گشاید.

خیزش شهرهای ایران، در کنار خیزش توده کارگر و بیکار و زنان و جوانان آزادیخواه عراق و لبنان، راهگشای فضای انقلابی و امید به اراده خود برای ایجاد یک آینده بهتر برای تمام مردم منطقه ایجاد کرده است. قیام توده ای همزمان سه کشور در خاورمیانه که اسلام سیاسی در آن در حاکمیت میباشد، علیه ستم و استثمار سرمایه داری و برای یک زندگی آزاد و مرفه، سنگری محکم برای تامین یک آینده انسانی تر برای مردم منطقه است، آینده ای که بدور از جنگ و فاجعه، بی حقوقی، سرکوب آزادی و تحقیر زنان و ناامید وار کردن جوانان، زدن سفره کارگران و اقشار کم درآمد جامعه است! کمونیسم در این سه کشور وظیفه بزرگی بر شانه هایش دارد. ما میتوانیم تاریخ دیگری برای خاورمیانه رقم بزنیم اگر در این سطح ظاهر

سرنگونی جمهوری اسلامی یعنی:

انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلیه دارودسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی؛

تحت کنترل گرفتن کامل کلیه امکانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و دارائی های این ارگانها و نهادها توسط مردم و شوراهای مردمی؛

انحلال کامل وزارت اطلاعات؛

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

متحدانشان گره خورده است.

زنده باد خیزش توده ای زحمتکشان ایران!
زنده باد خیزش توده ای عراق و لبنان!
زنده باد اتحاد بین المللی کارگران و مردم محروم منطقه!

حزب کمونیست کارگری کردستان
۱۸/۱۱/۲۰۱۹

ترجمه از کردی به فارسی
توسط وریا نقشبندی

حاشیه رانده شده و متعلق به تمام مردم فقیر و ستمکش این کشورهاست. از تهران تا بیروت و بغداد، توده قیام کننده، یک هدف دارند و آن هم زندگی مرفه، آزادی و امنیت است. رهایی از حکومت سرکوبگر بورژوازی که نان سفره مردم را به تاراج برده و در عوض، خودشان در کاخ های عاجی از تمام نعمات مادی لذت میبرند! شرط پیروزی در این جنگ به همبستگی و مبارزه

شویم. ما، حزب کمونیست کارگری کردستان به دقت این اوضاع را پیگیری میکنیم و بر این باور هستیم که فرصتی برای کارگران و کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی در منطقه ایجاد شده است که نباید آن را از دست داد. لازم است این جنبشی که در جریان است را به پیروزی رساند. این جنبش به ما تعلق دارد، به کارگران و جوانان بیکار و بی حقوق، به زنان ستمدیده و به

مردم، دشواریهای مردمی و مستقل خود متشکل شوید!

مردم آزاد میخواه!

رفاه، امنیت، آزادی و اعمال اراده مردم بر سرنوشت امروز و آینده خود، بازگرداندن اختیار به انسان، رفع تبعیض جنسی، خلاصی از هویت‌های کاذب ملی و قومی، و هر گونه نابرابری در گرو زیر و رو کردن نظام سیاسی - اقتصادی حاکم است. سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی قدم اول برای حکومت شوراهای مردمی، است!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

منعکس کنند. دیوارهای ارتباطات اینترنتی و جدا سازی‌های کاذب قومی، ملی و مذهبی بین شهروندان هم سرنوشت، به قدرت محکومین میتواند تمام و برای همیشه برچیده شود!

این نیاز پیشروی جنبش متمدنانه، انسانی محرومین در سراسر خاورمیانه و جهان است که آزادی و امنیت و رفاه، حداقل خواست مشترک آن است!

ایران! مردم عرب زبان، کرد زبان و ترک زبان، شیعه یا سنتی یا مسیحی یا یهودی یا بی‌مذهب و بی‌خدا، در سراسر منطقه و جهان، در هر حرکت اعتراضی دردها و کیفرخواست‌های مشترک شان را اعلام کرده اند. بر این واقعیت علاوه بر ادعای ما، رسانه‌های رسمی جهانی هم، زیر فشار واقعیات، اعتراف کرده اند و ناچار شده اند که گوشه‌هایی از این حقایق را

که دهه‌ها است قربانی حاکمیت‌های ارتجاع‌های قومی و ملی و مذهبی شده اند، ارتجاعی که تماماً پشت به قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای دارند، برای هم پیام همبستگی و هم سرنوشتی و دوستی و اتحاد می‌فرستند. خواست آزادی و برابری و رفاه و امنیت را با گوشت و پوست و خون خود فریاد می‌زنند! دشمنی نه با هم، نه با مردم در غزه دارند و نه در لبنان و نه در عراق و نه در

در عراق است، دخالتی است که هرگز نه تنها حمایت مردم در ایران را همواره مورد اعتراض وسیع مردم در ایران بوده است. مردم در عراق و ایران، نه تنها دشمنی با هم ندارند، که هم سرنوشت و در جدال با ارتجاع در منطقه و در جامعه خود، هم سنگر اند.

بخش‌هایی از اطلاعاتی حزب حکمتیست - خط رسمی، تحت عنوان "ارتجاع در محاصره میلیون‌ها مردم محروم" ۷ اکتبر ۲۰۱۹.

جنبشی که نه در اطلاق‌های فکری جریان‌ات سیاسی که چون جمهوری اسلامی ایران منافع مستقیمی در ایجاد نفاق و دشمنی بین مردم در کشورهای مختلف دارند، بلکه بر روی زمین سفت واقعیات در خاورمیانه سربلند کرده است نمی‌تواند هم سرنوشتی و هم دردی و اتحاد برای پیروزی را فریاد نزند! این جنبش بر سینه تحرکات برای دامن زده بر کینه و دشمنی بین شهروندان در خاورمیانه، برحسب زبان و مذهب و ملیت و قومیت، دست رد می‌زند!

امروز از ایران تا لبنان، عراق، شهروندان محرومی

دیوارهایی که فرو ...

شکاف در این دیوار، را باید با قدرت سیل کوبنده اعتراضات مان از جا کند و آن را تماماً بر روی شهروندان در ایران، باز کرد و همواره باز نگاه داشت!

لوموند: ۳۰ آبان - ۱۳۹۸ "تظاهرکنندگان عراقی و ایرانی با دشمن مشترکی به نام جمهوری اسلامی دست و پنجه نرم میکنند." "معترضین عراقی با مباحثات به معترضین ایرانی مینگردند، کسانی که مانند آنان عکسهای رهبر جمهوری اسلامی را لگدمال میکنند و خواهان سقوط رژیم هستند." "یک دانشجوی ۲۳ ساله عراقی به نام حامد نیز گفته است که جمهوری اسلامی مسبب وخامت اوضاع مملکت ما است اما خود ایرانی‌ها انسانهایی خوب و تحصیلکرده‌اند که مانند ما از دخالت دین در سیاست، خشونت و چپاولگری حکومت ایران رنج می‌برند."

حزب حکمتیست خط رسمی: ۱۵ مهر ماه ۱۳۹۸ - "حضور و دخالت مستقیم سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی ایران و شراکت مستقیم در شکل دادن به حاکمیت دستجات قومی و مذهبی، که امروز به حق مورد اعتراض و سبب مردم

شور سرنوشتی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید!

سرنوشت بهم بافته مجمع عمومی و اعتراضات جاری کارگری

مصطفی اسدپور

**بخش دوم: ابتکار عمل
کارگران در کشمکش با
کارفرما**

جنبه اساسی در مبحث مجمع عمومی بعنوان ظرف تشکل توده ای کارگران یک واحد تولیدی در منظم بودن برگزاری آن است. مجمع عمومی بنا به تعریف دربرگیرنده همه کارگران واحد است و به مثابه یک ظرف طبیعی برای خنثی کردن توطئه کارفرما در جهت شقه شقه کردن صفوف کارگران عمل میکند. این درست است که عضویت اتوماتیک کارگران در مجمع عمومی بدون هیچ پیش شرط یک مزیت نسبت به مثلاً اتحادیه ها است؛ اما باید توجه داشت هر مورد از برگزاری یک مجمع عمومی کارگران نشانگر آگاهی و اراده کارگران شرکت کننده برای دخالت و تصمیم گیری در مورد سرنوشت و چگونگی کارکرد واحد تولیدی است. این بخودی خود، بخصوص اگر کارگران توانسته باشند برگزاری مجمع را در ساعات کار و با دریافت مزد تحمیل کرده باشند، یک

فاکتور مهم در توازن قوا به نفع کارگران است. مجمع عمومی باید در ساختار و کارکرد خود مبشر سنت ارجاع به اراده جمعی کارگران، احترام و پابندی عمیق به آن باشد. باید وقت و فرجه ابراز مواضع باشد، به شمارش و ثبت آراء و مصوبات دقت و وسواس بخرج داد شود، در عین حال چگونگی تحقق مصوبات مورد ارزیابی قرار بگیرد، تا جلسات و اراده مجمع عمومی بتواند وزن واقعی خود را تحمیل کند. روال معمول اعتراضات جاری حکایت از شروع ماجرا از طرف کارفرما دارد، عمدتاً یک تعرض به دستمزد و یا شرایط کار که بر پایه یک شکاف میان بخشهای مختلف کارگران (کارگران با سابقه در مقابل جدیدی، کارگران استخدامی در مقابل فصلی ها و غیره) استوار است و یا در یک شرایط حساس مثلاً در ارتباط با تعطیلات یا موعد پرداخت دستمزد صورت میگیرد. توطئه کارفرما زمانی موفق است که مجال فکر و مشورت به کارگران ندهد. واکنش عسینانی کارگران نتیجه دلخواه کارفرما است که معمولاً با دخالت ماموران امنیتی کنترل اوضاع و امکان هدایت اعتراضات از طرف کارگران دور و دورتر میگردد. اعتراضات جاری نیز یک و یا چند اجتماع کارگران معترض را در خود دارد (که با همه مزیت و جنب ای مثبت) کماکان صورت مساله یعنی تعرض کارفرما و دست پاچگی کارگران در بسیج نیرو و امکانات خود، باقی است.

مجمع عمومی کارگری بعنوان تنها مرجع رسمی و قابل قبول، یک سنگر دفاعی قابل اعتماد را در جبهه کارگران می آفریند که از بسیاری جهات میتواند راه گشای مبارزات دفاعی، فرساینده و سترون کارگری جاری باشد. اما صورت مساله این نوشته نه چاره جویی برای مبارزات دفاعی، و برداشتن تنها یک گام، هر چند گام مهم، جلوتر از مبارزات پراکنده و عمدتاً ناموفق دفاعی امروز، بلکه تدارک زمینه و امکان مبارزات تعرضی کارگری و نقش مجمع عمومی در این زمینه است. صورت مساله اینست که چگونه کارگران یک واحد تولیدی در یک روز آفتابی، فارغ از بهانه گیری و عملیات ایذایی کارفرما در حالیکه دفتر حسابداری حقوق ها را در گرو نگرفته است با نقشه قبلی یک اعتصاب و مبارزه متحدانه برای دستمزد بالاتر و مطالبات رفاهی بیشتر را در دستور قرار داده و با موفقیت به پیش ببرند؟

هیچ کس نمیتواند منکر شود که طبقه کارگر، با این بیکاری میلیونی، با این گرانی وحشتناک و بیحقوقی مطلق که با زور سرنیزه و شکنجه و اعدام تحمیل میشود، شرایط سختی را میگذراند. هیچ کس نمیتواند منکر بشود که ترس از بیکاری و پرتاب شدن به فقر فقر و گرسنگی، در شرایطی که هیچ کس مسئول حفاظت از جان و سلامت اعضای جامعه نیست، کارگران را

محطاط میکند و از دست زدن به اعمالی که خطر از دست دادن کار را به همراه دارد دور میکند. به عبارت دیگر این روزها حرف مبارزه و اتحاد و تشکل در میان توده کارگر کمتر خریداری دارد. اما در عین حال همانقدر که محافظه کاری یک واقعیت است، نارضایتی هم هست. همه از دست ساعت کار پانزده ساعته، از دست دستمزد ناچیز، از دست گرانی و بی مسکنی... همه دلشان خون است. اگر کسی چیزی به صدای بلند نمیگویند برای این است که میدانند با اعتراض تک نفره وضعشان بدتر میشود؛ و کمتر کسی راه مبارزه جمعی کم و بیش موفق را در دسترس خود سراغ دارد.

برای کارگران پیشرو که علاوه بر وضع سخت و دشواریهای زندگی خود غصه هم طبقه ای های خویش را نیز بدل دارند موقعیت دشوارتر است، اما برای سرسخت ترین این پیشروان، این شرایط را باید با راه حل های مناسب پاسخ داد. و آن اینست که اگر کارگر ناگزیر است مبارزه اش را در حالی پیش برد که یک پایش بر لبه اخراج و بیکاری و گرسنگی است، باید بر روشهایی برای ابراز نارضایتی و اعلام مطالبات متکی شد که با این شرایط مطابقت داشته باشد. باید با تاکتیک هایی مبارزه را شروع کرد که کارگری که چند بچه کوچک گرسنه در خانه دارد هم با بتواند با دل قرص در اجرا و اتخاذ آن شریک شود. کسی که مبارزه از نظرش فقط

شکستن ماشین و در و پنجره و کتک زدن مدیر و خواباندن کار نباشد خوب میدانند که در فاصله میان سکوت و تسلیم تا اعتصاب و بیرون انداختن مدیر، هزار و یک راه دیگر برای ابراز و به کرسی نشاندن اعتراض میشود سراغ گرفت.

در این مسیر جلسات منظم مجمع عمومی که در روزهای "عادی" تولید برپا میشوند، شاهرگ انتقال فضای اعتراضی میان کارگران است. جایی که نارضایتی ها و راه چاره ها و موانع همه با هم بصدا در میانند و یاغیان و محافظه کاران صف کارگری میتوانند مشترکاً راهی پیدا کنند که تنور مبارزه برای مطالبات را داغ نگه دارد، راهی که برای همگی قابل پیمودن باشد و چیزی نصیب آنها کند.

هر ذره موفقیت که به یمن همدستی و اتحاد کارگری بدست میاید دریایی از انرژی و امید برای برداشتن قدم های بعدی به آنها ارزانی میکند. نباید فراموش کرد که ما بسیاریم و در دل سکوت هم یک دنیا بغض فرو خورده و آرزوهای فروخورده داریم که درست مثل مال بقیه است. صفوف کارگران چه در زمان احتیاط و سکوت و چه در زمانی که پیروزی های سهل و آسان او را به ماجراجویی میکشاند نیاز به رهبر دارد که به این اعتراضات و چاره جویی ها لباس وحدت و هم پیمانی بپوشاند.

مجمع عمومی بستر و تسمه نقاله این کشش و کوشش است.

نشور رفاه، آزادی و امنیت را برافرازید!

شریعت

حزب حکمتیست (خبرنامه)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبدالمهدی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistKhatRasmi

تلاش با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبدالمهدی

fuaduk@gmail.com

سرزمین نفرین ...

امسال شیپور مجادلات دستمزد پایه کارگران شش ماه زودتر نواخته شد. مهمترین مشخصه فصل تعیین دستمزدها در ایران طغیان ارقام و حقایق است. کس و ناکس دم و دستگاه لندهور حکومتی که هنر و لیاقت شان در حرامزادگی، هذیان و شارلاتان بازی اسلامی - کاپیتالیستی خلاصه میشود به یکباره لباس ارقام و اعداد به تن میکنند. در ایران سه مرجع مهم یعنی مرکز پژوهش مجلس، بانک مرکزی و اداره آمار در کنترل روزمره قیمت اقلام خوراکی و تمامی نیازمندیها و مصارف خانواده های کارگری رسماً تضمین میکنند که سطح دستمزد کارگر تا پنج برابر زیر خط فقر قرار داشته باشد. هفته گذشته وقتی آقای نوبخت، سخنگوی دولت، تخمین پانزده درصد برای افزایش دستمزد فصل جاری را به خبرنگاران در میان میگذاشت، پشت او به جدول روز قبل تر بانک مرکزی گرم بود که در شش ماه آتی روند تورم و افزایش قیمت ها سطح زندگی کارگران را از رقم پنج به هفت برابر زیر خط فقر خواهد راند. نباید فراموش کرد تا آنجا

که به مخارج نیروی کار در ترازنامه بودجه سالانه مربوط میشود ارقام دیگری را نیز شامل میشود، مخارج زندانها، رکوردهای تعداد ضربات شلاق، رکوردهای طول حبس، تعداد کارگران مضروب در حمله واحد ضد شورش و ...

مهمتر از هر چیز ارقام مربوط به دستمزد در دنیای واقعی بوی گرسنگی، نداری و حسرت میدهد. در چنبره این ارقام فقط ذلت و گدا صفتی و فرومایگی از نوع خانه کارگر نیرو میگیرد. دستمزدها در ایران بیشتر آنکه زنده نگه دارد مدتهاست که ورای هر چیز دیگر نیستی میافرینند؛ سال پس از سال در قالب نفرین دستمزدها از ویتامین تا ملکولهای پروتئین، از سرپناه تا ساعات تفریح، از طول عمر تا لیست دلخوشیها، از غرور و دوستی و علائق و ... کارگران جامعه را به یغما میبرد. ایران سرمایه، ایران جنون رقابت و سودجویی سرمایه، قبرستان بزرگ انسان و انسانیت است.

فصل دستمزدها، در پس همه فاکتورهای دیگر اما یک واقعیت بنیادی و ساده را در کوچه پس کوچه های شهر به نمایش درمیآورد. سرمایه با همه طبقه و دولتش، مجبور

است همه کبکبه و دبدبه خود را به کنار بگذارد و به اعتبارنامه ای یکساله، از این سال تا سال بعد رضایت بدهد و قانع باشد. فصل دستمزدها همه چیز هست بجز تعیین دستمزدها؛ هر مسخره بازی در آن بگنجانند، مسخره تر از آپسود بی اعتبار "نماینده کارگران" در این نمایش از آب در نخواهد آمد. فصل دستمزدها در ایران پوچ است چرا که بورژوازی خود از قبل سیفون بی اعتباری قانون "تأمین معیشت"، حتی همان معیشت فکسنی دلبخواه خود را کشیده است. فصل دستمزدها دربرگیرنده هر چیز، از خوش رقصی حکیمانه دانشگاهیان، بیعت توام با گروکشی کارفرماها تا روضه خوانی انتقادی خانه کارگر باشد؛ اما فاقد اعتبار توافقنامه کارگران است فقط به این دلیل که دولت حتی فاقد شهادت تضمین قیمت نان و توزیع دو سبد کالای قابل مصرف است. برای طبقه کارگر فصل تعیین دستمزدها مثل بقیه سال فرصت زمانی است تا نیروی کافی برای زیر پا گذاشتن مصوبه جنایتکارانه دولت و مواجب بگیران شورای عالی دستمزدش جمع کنند. برای طبقه کارگر ایران دامنه فصل

دستمزدها از این اعتصاب تا اعتصاب بعدی است، و در تعیین رقم دستمزد مصوبه دولت هیچ کاره است و مرز دستمزدها همانقدر است که زورش بچربد.

مجمع عمومی مراکز تولیدی تنها مرجع معتبر تعیین و تأیید توافقات مربوط به دستمزدها است. عجلالتا میتوان از مجمع عمومی کارگران هفت تپه،

فولاد و اذراب شروع کرد و پروسه تعیین دستمزدها را از تهران به شوش و اهواز و یا اراک منتقل نمود.

حکمتیست را
توزیع و پخش
کنید!

برای آزادی، برابری به حزب حکمتیست پیوندید